

رژیم حقوقی فضای ماورای جوّ زمین و

چالش‌های پیش روی آن

دکتر حسین نواده توپچی^۱

چکیده:

ایالات متحده آمریکا در صدد است که حاکمیت خود را به فضا تسری دهد و با اقدامات گوناگون، مخصوصاً نظامی، بر آن است تا حاکمیت دیگر دولت‌ها را به چالش بکشد و رژیم حقوقی موجود فضا را سیال سازد. این امر بر نگرانی‌های امنیتی کشورهای افزوده و جامعه‌ی بین‌المللی را با عدم توازن مواجه ساخته است. هدف این مقاله آن است که شکل‌گیری رژیم حقوقی موجود، چالش‌های قدرت در فضای ماورای جو، بازیگران و منافع آنها در فضا را شناسایی کند و سناریوهای آینده را مطرح سازد.

از تجزیه و تحلیل رژیم حقوقی موجود و چالش‌های آن به همراه چشم‌انداز ۲۰۲۰ ایالات متحده، این نتیجه حاصل شده است که امنیت در فضا از طریق رژیم مبتنی بر قواعد مورد پذیرش جامعه‌ی بین‌المللی قابل دستیابی است نه استقرار سلاح و آرایش نظامی. غیر از قدرتهای هژمون، بقیه‌ی جهان عجله‌ای برای تسلیح فضا ندارند. بنابراین لازم است مقررات و اصولی برای بهره‌برداری و مدیریت فضا تدوین شود. مناسب‌ترین راه‌حل حفظ منافع تجاری، فناوری و امنیتی قدرتها در فضا نیز از طریق حکومت قانون ممکن خواهد شد.

کلید واژگان:

رژیم حقوقی فضا، تسلیح فضا، امنیت فضا، آرایش نظامی فضا، کنترل فضا و فعالیت در فضا.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه:

حاکم تلاش کرده‌اند تا نظامی برای آن به وجود آورند، اما حاکمیت در فضای ماورای جو زمین که در این مقاله آن را فضا می‌نامیم، تا چندی پیش مطرح نبوده و امروزه مورد بحث قرار گرفته است.

آینده‌ی فضای ماورای جو و امنیت آن در وضعیتی بحرانی قرار دارد. رژیم حقوقی که فعالیت‌های تجاری، نظامی و علمی را در فضا هدایت می‌کند بسیار متفرق و نامناسب است و نمی‌تواند پاسخگوی چالش‌های شکل گرفته از طرف بازیگران در حال رشد باشد که درصدد بهره برداری از فضا هستند.

بعد از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، جنگ بر ضد تروریسم و اشغال نظامی عراق، بر عناوین خبری رسانه‌ها حاکم شد و همزمان با آن، موضوع دفاع موشکی ملی، کنترل بر فضا و تسلیح فضا از صفحات اول نشریات به صفحات بعدی منتقل شد اما اخیراً دوباره به صورت جدی مطرح و به موضوع تنش در روابط آمریکا و روسیه تبدیل شده است. مادامی که ایالات متحده با طرح‌های پنتاگون درصدد توسعه‌ی کنترل بر فضا و گسترش درگیری در مسایل جهانی باشد طبعاً این امر بر استقرار سلاح در فضا

پس از اختراع هواپیما و شکل‌گیری نیروی هوایی در کشورها، استفاده نظامی از هوا آغاز شد.

در ابتدا نیروی هوایی به‌عنوان پشتیبان نیروی زمینی، بر فراز سرزمین کشور متخاصم پرواز می‌کرد و امکان شناسایی و نظارت بر صحنه‌ی جنگ از هوا را فراهم می‌ساخت. بعد از آن خلبانهای کشورهای متخاصم در هوا با هم درگیر شدند و هواپیمای یکدیگر را ساقط کردند. کمی بعد از آن عملیات بمباران و پرتاب موشک رواج پیدا کرد. و اکنون شاهد کاربرد جنگ الکترونیک بسیار پیشرفته و کاربرد سلاحها و مهمات هوشمند در هوا هستیم. فضای ماورای جو زمین نیز همین روند را طی می‌کند، اکنون در حال توسعه و عبور از دوره‌ی نظارت ماهواره‌ای به دوره حمله‌ی ریز ماهواره‌ها به ماهواره‌های دیگر و نهایتاً سلاحهای فضا پایه‌ی لیزری منهدم کننده‌ی هواپیماهای جنگی می‌باشیم. با این تفاوت که عرصه‌ی هوایی جزو قلمرو کشورها محسوب می‌شود که در آن حاکمیت اعمال می‌کنند و دولت‌های

دلالت خواهد داشت و مشکل به هم خوردن رژیم حقوقی فضا قریب الوقوع خواهد بود. اگر قرار بر این است که از درگیری بر سر استفاده از فضا، یا حتی از درگیری واقعی در فضا جلوگیری شود و یا حداقل با موافقت عمومی، درگیری به طور قابل ملاحظه‌ای محدود شود، لازم است که جامعه‌ی بین‌المللی بر سر فعالیت مجاز در فضا و ترتیبات مربوط به توزیع منافع آن، به توافق برسد. چنین رژیمی با منافع تجاری، علمی و نظامی بنیانگذاران حمایت جهانی از فعالیت‌های مجاز در فضا سازگار خواهد بود.

بیان مسئله:

جدی‌ترین چالش برای رژیم حقوقی فضا با بیانیه‌ی دولت جورج بوش در خصوص دنبال کردن قلمرو ملی در فضای ماورای جو شکل گرفت (US. SPACE VISION, 1998:5-6). این بیانیه ممکن است در آینده به استقرار سلاح در فضا منجر شود. هر چند فضا از پیش تا اندازه‌ای نظامی شده است اما با قطعیت نمی‌توان گفت که تسلیحاتی در فضا مستقر شده است. چنین امری عبور از مرحله‌ای است که دیگران را برای

کسب برتری در فضایی که ایالات متحده در آن سلطه می‌گستراند، تحریک به مبارزه و نبرد خواهد کرد. این کار به طور جدی نظم حقوقی لازم برای امنیت فضا را تضعیف خواهد کرد، نظمی که به طور گسترده‌ای بقیه کشورهای جهان از آن حمایت می‌کنند. به کارگیری سلاحهای ضدماهواره‌ای زمین‌پایه (ASAT)، خروج از رژیم حقوقی جاری را موجب خواهد شد. بدون اقدامات هماهنگ برای توسعه‌ی جامع حقوق فضا که تسلیح فضا را محدود می‌کند، جامعه‌ی بین‌المللی شاهد رقابت نظامی جدیدی در فضا خواهد شد که امنیت جهانی و ملی را تهدید می‌کند و این رقابت، فعالیت‌های موجود فضایی را نیز به مخاطره خواهد انداخت. جامعه بشری امروز نیازمند رژیم حقوقی مناسب و منطقی برای حفظ و استمرار امنیت در فضا می‌باشد و این نیازمندی با توجه به سرعت پیشرفت و توسعه روز افزون فناوری‌های فضایی روز به روز بیشتر و پراهمیت‌تر می‌شود. حل این مشکل و مسئله اساسی و چگونگی حضور نظامی و تسلیحاتی قدرتها در فضا و رعایت حقوق سایر ملتهای فاقد این گونه فناوری‌ها، از

AMERICAN INSTITUTE OF
AERONATICS AND
AUSTRONATICS.

3. PROCEEDINGS OF THE
FORTY-FIFTH COLLOQUIUM
ON THE LAW OF OUTER
SPACE, 10-19 OCTOBER 2002
HOUSTON, TEXAS.

سئوالات تحقیق:

- الف. چالش‌های قدرت در فضا چه تأثیری بر رژیم حقوقی کنونی دارد؟
- ب. رژیم اصولی بر چه اساسی قابل دستیابی است؟
- ج. توافق قدرتهای فضایی چه تأثیری بر حکومت قانون دارد؟
- د. نقش دیگر بازیگران در پذیرش رژیم حقوقی اصولی فضا (یا رژیم غیرمسلح فضا) توسط قدرتهای بزرگ چیست؟

فرضیات:

- الف. رژیم حقوقی کنونی در برابر چالش‌های نو نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.
- ب. رژیم اصولی فضا بر اساس حکومت قانون قابل دستیابی است.
- ج. حکومت قانون، بدون توافق قدرتهای فضایی قابل دستیابی نیست.

جمله چالشهای فراروی پیشرفت در قرن اخیر می باشد.

اهمیت موضوع:

با عنایت به آثار قابل ملاحظه تحولات رژیم فضا بر امنیت ملی و بین‌المللی ضروری است وضعیت موجود به خوبی شناخته شود و سناریوهای احتمالی ترسیم گردد. تا زمینه‌های تصمیم‌سازی در حوزه‌های استراتژیک فراهم شود.

اهداف تحقیق:

ترسیم سناریوهای آینده رژیم فضا و پیش‌بینی رژیم اصولی فضا از اهداف این تحقیق است.

پیشینه تحقیق:

در خصوص این موضوع تحقیقی در کشورمان انجام نشده است اما تحقیقاتی در خصوص تحولات رژیم حقوقی فضا، قدرت در فضا، سرحدات فضای ماورای جو در نشریات زیر به چشم می خورد:

1. THE YALE Journal OF INTERNATIONAL LAW, VOL 29, 2004.
2. PROCEEDINGS OF THE FORTY- THIRD COLLOQUIUM ON THE LAW OF OUTER SAPACE, 2-6 OCTOBER 2000 RIO/DE JOANEIRO, Brazil,

د. دیگر بازیگران از طریق ایجاد تداخل امواج و سیگنالها مانع آزادی عمل قدرتها می‌شوند.

روش تحقیق:

ارتباط میان متغیرهای تحقیق که در فرضیات آمده‌اند، به روش همبستگی سنجیده شده است. نوع تحقیق موردی زمینه‌ای است. اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد بین‌المللی به دست آمده است و ابزار آن فیش‌برداری از کتب و استفاده از اینترنت و نظر سنجی است.

چالشهای موجود در فضای ماورای جو

چالش عمده برای آینده‌ی فضای ماورای جو، در دو نگرش رقابت‌آمیز نسبت به چگونگی سازماندهی، مدیریت و کنترل فعالیت‌ها در فضا ریشه دارد. نظریه اول بر نقش حقوق در حفظ فضا برای اهداف صلح‌آمیز و ترویج همکاری بین‌المللی برای استفاده از فضا در جهت منافع عموم، تأکید دارد. این دیدگاه بر رژیم حقوقی چندجانبه به عنوان بهترین روش برای موازنه‌ی منافع گوناگون در

فضا تأکید دارد که قادر است تداخل فعالیت‌های احتمالی را مدیریت کند و تضمین دهد که هیچ قدرت واحدی بر فضا تسلط نیابد و دسترسی دیگران را تحت الشعاع خود قرار ندهد. حقوق، قدرت را محدود می‌کند و منافع ملی کشورها در چارچوب حقوقی پیشرفته و تصریح شده و با فرض رعایت منافع متقابل، تعقیب می‌شود.

این منطبق رژیم حقوقی ناظر بر فضا در وضعیت موجود است که در معاهدات مربوط به کنترل تسلیحات و مسایل تجاری و موافقتنامه‌ی منعقد شده از سال ۱۹۶۰ به بعد منعکس شده است، اگر چه این مقررات ضعیف و ناکافی به نظر می‌رسند. نظریه دوم، منطبق مربوط به سلطه‌ی ملی بر فضا است که از طرف فرماندهی فضایی ایالات متحده (SPACECOM)^۱ مطرح شده است.^۲

با اتکای روزافزون ایالات متحده به فضا به لحاظ فعالیت‌های نظامی و تجاری، فرماندهی فضایی آن کشور

1. SPACE COMMAND

۲. در اکتبر ۲۰۰۲، فرماندهی فضایی ایالات متحده به فرماندهی استراتژیکی ایالات متحده پیوست.

عنوان کرده است که دارایی‌های امریکا در فضا در برابر تهاجم، آسیب‌پذیرند و برای حفاظت از آنها تسلط نظامی بر فضا الزامی است. چشم انداز فرماندهی فضایی امریکا، حفاظت از فضا را از طریق برتری قابلیت جنگ فضایی امریکا ممکن می‌داند و عوامل خود را «مباشر حفظ فضای نظامی» نامیده است. (US SPACECOM VISION FOR 2020: chs.5-6)

این چشم انداز بر دو اصل استوار است:

الف. تسلط بر فضا از طریق عملیات نظامی برای حفظ منافع و سرمایه‌های امریکا؛

ب. تکمیل قابلیت‌های جنگی نیروهای فضایی در طول طیف درگیری؛

فرمانده قبلی SPACECOM اعلام کرده بود که ایالات متحده، بعضاً اهدافی مانند کشتی‌ها، هواپیماها و اهداف زمینی را از فضا مورد شناسایی و رهگیری قرار می‌دهد... مأموریت‌ها از قبل مشخص شده‌اند و مصادیق این عملیات نوشته شده‌اند.

Aviation Week, Aug.5, (1996, at 51)

1. Jack Kelly, U.S. the Header in war Plans for Space, PITTSBURGH POST – GAZETTE, July 28, 2003, <http://www.post – gazette. Com/pg/03209/206343.stm>.

فضا برای مقابله با تهدیدات مربوط به امنیت نظامی امریکا در فضا، حمایت می‌کرد، هر چند او تلاش کرده بود مستقیماً به سلاح اشاره ای نکند اما به خوبی هدف از این پیشنهاد روشن بود. (Final Report, 2001:3)

در سپتامبر ۲۰۰۱ نشریه وزارت دفاع امریکا با ارزیابی از خط مشی دفاعی آن کشور، خواست تا نظارت نظامی در فضا، ارتباطات و دیگر کاربردهای سفینه‌ی واقع در مدار زمین را با اهمیت جلوه دهد و حتی منکر استفاده‌ی تبلیغاتی از فضا شد و آسیب‌پذیری‌های امریکا در فضا را در برابر توسعه‌ی قابلیت‌های فضایی متخاصم، مورد توجه قرار دارد. (Defense Review Report Sep.2001)

بخش‌هایی از مطالب ویژه‌ی وزارت دفاع امریکا که در مارس ۲۰۰۳ فاش شد. استفاده از امکانات فضاپایه برای افزودن به قابلیت حمله‌ی متعارف و هسته‌ای را مورد حمایت قرار می‌داد. (Nuclear posture review 2001)

در اکتبر ۲۰۰۲ فرماندهی فضایی با فرماندهی استراتژیکی که نیروهای هسته‌ای ایالات متحده را تحت کنترل

دارد، ادغام شد تا سازمان واحدی تشکیل شود که مسئولیت هشدار اولیه، دفاع موشکی و حملات برد بلند را به عهده گیرد. پنتاگون ۱/۶ میلیارد دلار برای سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ درخواست کرد تا تجهیزات لیزری فضا پایه و وسایل رهگیری و انهدام موشک‌های بالستیک و ماهواره‌ها را توسعه دهد. (Space News, 2004)

تصمیم دولت بوش به خروج از معاهده‌ی ABM^۱ که بیش از سی سال از انعقاد آن می‌گذرد بیشتر اقدامی برای رفع موانع نمایش قدرت امریکا در فضا بود؛ وگرنه امکان آزمایش‌های موشکی بیشتر در قالب این معاهده امکان‌پذیر بود. از طرف دیگر کشورها، مخصوصاً چین، چشم‌انداز سلطه‌ی ملی امریکا بر فضا با رژیم حقوقی مستقر در فضا ناسازگار خوانده شده است. (Disarmament Diplomacy, Jan-Feb.2000)

جامعه‌ی بین‌المللی بیش از چهل سال است که بر حفظ فضا برای اهداف و مقاصد صلح‌آمیز تأکید ورزیده و بر این

1. Anti-Ballistic Missile, Treaty May 26, 1972.

باور است که فضا باید برای همه قابل دستیابی و عاری از سلاح باشد.^۱ با توجه به وضع موجود به نظر می‌رسد که گزینه‌های پیش روی جامعه‌ی بین‌المللی به شرح زیر باشد:

- مسابقه بر سر دستیابی به تفوق ملی در فضا؛
- یک رژیم حقوقی کامل که برای جلوگیری از سلطه‌ی قطعی هر کشوری مخصوصاً ایالات متحده بر فضا طراحی شود؛
- مسابقه و مسابقه بر سر دستیابی به تفوق ملی، حق تساوی در بهره‌مندی همه ملت‌ها از فضا را نابود خواهد ساخت و به جای آن یک رژیم عملی را به وجود خواهد آورد که بر اساس آن اولین کشوری که به طور موفقیت آمیز به فضا دسترسی پیدا کند و سلاحهای فضا پایه و یا سلاحهای ضد ماهواره را در زمین مستقر نماید بر دیگر ملت‌ها امکان کنترل خواهد داشت. با مفروض دانستن ارزش بسیار زیاد فضای ماورای جو و

منابع آن، امکان دارد که دیگر کشورها برای شکستن این انحصار سلاحهای ضد ماهواره‌ای خود را گسترش دهند. کشورهایی نیز که قابلیت ساخت این سلاحها را ندارند ممکن است آنها را خریداری کرده و به کار ببرند. سلاحهای فضا پایه به دلیل ایجاد انگیزه برای حملات پیش دستانه، ثبات جامعه جهانی را بر هم خواهند زد، هر چند این سلاحها قدرتمند هستند اما به نظر می‌رسد سیستم‌های تسلیحاتی آسیب‌پذیری باشند.

هر رژیم کامل حقوقی اهدافش این خواهد بود که از درگیری‌های بی‌ثبات کننده جامعه‌ی جهانی بر سر استفاده از فضا جلوگیری کند. مشکل بر سر آن است که چگونه خواسته‌های امریکا را با منافع بقیه‌ی کشورها موازنه کرد. اگر موضع SPACECOM به طور جدی تعقیب شود، ایالات متحد را با بقیه‌ی جهان درگیر خواهد کرد، حمایت متحدان نزدیک نیز محل تأمل است. اگر قرار باشد که نبردی برای کسب تفوق در فضا صورت گیرد منافع با اهمیت امریکا در فضا لطمه خواهد دید. با مفروض دانستن آسیب‌پذیری ذاتی در

۲. معاهده فضا، موافقتنامه‌ی ماه و دیگر اسناد بین‌المللی بر حفظ و استفاده از فضا برای مقاصد صلح آمیز تأکید دارند.

فعالیت‌های فضایی، اقدامات سنتی برای پشتیبانی نظامی (از جمله ردیابی فضایی هشدار اولیه، ارتباطات، شناسایی، نظارت هواشناسی و ناوبری) در معرض خطر قرار خواهند گرفت.

انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌های تجاری و علمی در فضا نیز محل تأمل خواهد بود. در یک درگیری، ممکن است اجزا و بخش‌های زمینی مربوط به فعالیت فضایی، مورد حمله قرار گیرد، همچنین حمله به ماهواره‌ها فضا را با زباله‌هایی آلوده می‌کند که امکان دارد ماهواره‌های تجاری و سفینه‌های فضایی را به شدت با خطر انهدام مواجه سازد و فعالیت‌های ارتباطی و علمی را در زمین مختل کند.

هرچند SPACECOM و حامیان آن بر نظر خود اصرار می‌ورزند اما به نظر نمی‌رسد که این فکر مورد تأیید همه‌ی متخصصان و کارشناسان مسائل فضا و امور بین‌الملل و امنیت ملی در امریکا باشد. (Howard D. Belote, 2000: 46)

ساخت. همچنین مقامات «ناسا»^۱ و ایستگاه فضایی بین‌المللی کاملاً از تبعات چنین کاری آگاهند.^۲

مباحث مربوط به حمایت کنگره امریکا از تسلیح فضا قابل دستیابی نیست تا بتوان بر اساس آنها اظهار نظر کرد.

هیچ معلوم نیست که تهدیدات برضد تجهیزات و منافع امریکا در فضا چیزی باشد که SPACECOM ادعا می‌کند و بر فرض صحت، بعید است که سلاح‌های گران‌قیمت فضا پایه امریکا بتواند از عهده آن برآید. در موارد زیادی اگر کسانی بخواهند به امریکا ضربه بزنند، راه آسانتر و مؤثرتر برایشان آن خواهد بود که به اهداف زمینی حمله کنند. (Karl P. Mueller, 2000:40)

به هر صورت اقدامات مربوط به تسلط ملی بر فضا برای امریکا زیان‌آور و خطر آفرین خواهد بود. امریکا با انتظار ملتش نسبت به رفاه و آرامش اقتصادی و

1. Nasa: National Aeronautics and Space Administration.

۲. ایستگاه فضایی حاصل همکاری و تلاش ۱۶ کشور به رهبری امریکاست و شامل: ژاپن، کانادا، روسیه، برزیل و یازده دولت عضو آژانس فضایی اروپا می‌شود.

نظامی، بسیار فاصله دارد. این کشور در حدود ۸۵۰ ماهواره نظامی و تجاری در مدار دارد که این عدد ظرف سالهای آتی فزونی خواهد گرفت^۱.

هر چند دوره‌ی فناوری و بهره‌برداری مالی از فضا در مدت زمانی کوتاه رو به رشد است. اما در نهایت ایالات متحده شاهد آن خواهد شد که مزایای آن رو به کاهش می‌گذارد. دکتترین فضایی ایالات متحده نیز که در چشم انداز ۲۰۲۰ آمده است، ارزش مزیت‌های فضایی آمریکا را که در آینده فرسوده خواهد شد، کمتر از ارزش واقعی می‌داند (گر چه فرماندهی فضایی آمریکا از این ایده دفاع می‌کند که این مزایا را از طریق سلطه‌ی فضایی می‌توان حفظ کرد). (پیشین: ۵۲)

گزینه‌ی میان سلطه‌ی ملی بر فضا و رژیم حقوقی پایدار که منافع همه را در فضا حفظ کند و توازن ببخشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر ایالات متحده سلاح را به فضا ببرد، در آن صورت دیگر ملت‌ها اقدامات متقابل را تعقیب خواهند کرد که آثار سوئی بر امنیت ملی و

جهانی بر جای خواهد گذاشت. علاوه بر آن، با تهییج ملت‌هایی که در حال حاضر نسبت به استقرار سلاح در فضا برای رقابت با امکانات فضایی آمریکا، به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافی ندارند، مطمئناً ایالات متحده به مزیت‌های خود لطمه می‌زند. هر چند مسابقه بر سر تسلیحات ضدماهواره یکی از خطرات است، تهدید بزرگتر از نظر کشورهای نظیر چین و روسیه، استفاده‌ی ایالات متحده از سیستم فضایی برای قابلیت‌های ضربه‌ی هسته‌ای و متعارف است. از دیدگاه این کشورها، توسعه‌ی قابلیت‌های استراتژیکی آمریکا به فضا، فروپاشی معادله‌ی جنگ سرد در خصوص ثبات استراتژیکی مبتنی بر آسیب‌پذیری متقابل را به اذهان متبادر می‌کند. بنابراین هر مسابقه‌ی تسلیحات در فضا، می‌تواند رقابت تسلیحاتی بالا را تقویت کند و تأکید بر دکتترین‌های جنگ هسته‌ای را مجدداً مطرح سازد. نهایتاً هر رقابت تسلیحاتی در فضا، نقش حقوق را در برابر رژیم قدرت، از بین خواهد برد.

به رغم اظهارات مقامات ایالات متحده دایر بر حمایت از حکومت قانون در کشور خود و در سطح جهان، رفتار

1.Space Objects Box Score, at <http://www.planet4589.org/space/logs/boxohol.txt>.

ایالات متحده در فضا، مغایر با حقوق و منافع دنیای متعامل است.

رژیم حقوقی موجود

رژیم حقوقی فعلی فضا پراکنده و ناقص است و نمی‌تواند پاسخگوی مسایل مربوط به استفاده فزاینده از فضا باشد. این رژیم مشتمل بر اصول کلیدی بسیار کلی است که در پنج معاهده آورده شده است.^۱ همراه با آن حقوق بین‌الملل عرفی و رویه‌های ملل پیشرفته در فناوری فضایی نیز مطرح است. این رژیم حقوقی چندین موافقتنامه درباره‌ی استفاده‌ی تجاری از فضا را نیز به همراه دارد که از جمله‌ی آنها می‌توان به حقوق استفاده از مدار ثابت زمین، موافقتنامه‌ی مربوط به

تأسیس سازمان‌های میان‌دولتی با کارکردهای فضایی (ایستگاه فضایی بین‌المللی، اتحادیه‌ی ارتباطات راه دور بین‌المللی ITU، سازمان هوانوردی بین‌المللی و سازمان هواشناسی) اشاره نمود. مفهومی که از اصول کلی متبادر می‌شود این است که فضا باید برای اهداف صلح آمیز حفظ شود. اما به دلیل توان اندک دیگر کشورها برای انجام فعالیت در فضا، این اصول^۲ به‌طور واقعی مورد آزمون قرار نگرفته و به صورت آرمانی باقی مانده‌اند و واژه‌های کلیدی و اصلی آنها از جمله واژه‌ی «صلح‌آمیز» بسیار کلی، غیر واضح و مناقشه برانگیز است، حفاظت از محیط زیست در فضای ماورای جو و نحوه‌ی آن نامعلوم است و درباره‌ی مفهوم «قلمرو همه‌ی بشریت» که در موارد ۱ و ۱۸ معاهده‌ی ۱۹۶۷ فضا ذکر شده است هنوز تعریف عملیاتی مورد قبولی ارائه نشده است. این اصل به‌طور گسترده‌ای مورد پذیرش قرار نگرفته است تا بتوانیم آن را یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد کنیم.

۱. این معاهدات که از سال ۱۹۶۴ تاکنون را شامل می‌شود به این شرح است: موافقتنامه ماه و دیگر اجرام آسمانی/ معاهده‌ی ماه ۱۹۷۹؛ کنوانسیون ثبت اشیای پرتاب‌شده به فضا ۱۹۷۵؛ کنوانسیون مربوط به مسئولیت بین‌المللی به خاطر خسارت وارده از اشیای فضایی ۱۹۷۲؛ موافقتنامه نجات فضاوردان و بازگرداندن اشیای پرتابی به فضا ۱۹۸۶؛ معاهده‌ی مربوط به اصول حاکم بر فعالیت کشورهای در کشف و استفاده از فضا، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی (معاهده فضا) ۱۹۶۷.

۲. مواد ۱ و ۱۸ معاهده ۱۹۶۷ فضا.

علاوه بر آن، تنش مجدد میان مکتب اصالت اجتماع و سرمایه‌داری آزاد بر سر اصل «دسترسی برابر به فضا» و اصل «تقدم پیشگام بر دیگران در بهره‌مندی» به وجود آمده است.

کشورهای صاحب فناوری فضایی در صدد افزایش بهره‌مندی خود از فضا هستند، در حالی که دیگر کشورها تلاش می‌کنند با محدود ساختن بهره‌مندی کشورهای صاحب فناوری، از طریق نفوذ در قاعده سازی بین‌المللی، از منافع آتی خود حفاظت نمایند.

در خصوص «استفاده‌ی صلح آمیز از فضا»، رژیم حقوقی موجود در باره فعالیت‌های نظامی در خلأ فضای نزدیک به زمین و غیر نظامی‌سازی کامل دیگر اجرام آسمانی از جمله ماه محدودیت‌های کمتری دارد. گرچه جامعه بین‌المللی همیشه اعلام کرده است که باید از فضا با اهداف صلح‌آمیز حفاظت شود، ولی قدرت‌های فضایی از آن به عنوان جواز برای فعالیت‌های پشتیبانی نظامی از جمله دیده‌بانی، نظارت، ارتباطات و موقعیت‌یابی آزمایش‌های هسته‌ای در زمین، تفسیر کرده‌اند. در اصل، فضا به تدریج نظامی شده است. عبارت معاهدات اصلی فضا با دقت تمام چنان چیده شده است که عبور موشک‌های بالستیک هسته‌ای از فضا ممنوع نباشد. (Abram chayas, 1986:196)

از آغاز عصر فضا، برنامه‌های فضایی ایالات متحده ماهیتاً نه تنها غیرنظامی و علمی نبوده است بلکه اساساً نظامی بوده است (Ivan A. Vlasic, 1990:37). هر چند رژیم حقوقی موجود ممنوعیت‌های خاصی را نسبت به فعالیت‌های نظامی اعمال می‌کند اما شکاف‌های قابل ملاحظه‌ای را بر جای می‌گذارد. در این رژیم، استقرار سلاح‌های کشتار جمعی در فضا ممنوع شده است، اما هیچ ممنوعیتی در خصوص انتقال سلاح‌های هسته‌ای در فضا یا پرتاب این سلاح‌ها با هدف انهدام موشک‌های شلیک شده، ملاحظه نمی‌شود (به عنوان نمونه می‌توان به جواز استقرار سیستم رهگیری موشک‌های ایالات متحده و اتحاد شوروی سابق در داکوتای شمالی و اطراف مسکو، طبق معاهده‌ی ۱۹۷۲ ABM اشاره نمود).

همچنین این رژیم، سلاح‌های ضدماهواره‌ای و یا قرار دادن سلاح‌های متعارف در فضا را به صراحت ممنوع

نکرده است. فسخ معاهده ی ABM از طرف ایالات متحده در ژوئن ۲۰۰۲، ممنوعیت ۳۰ ساله دفاع موشکی فضا پایه‌ی ابر قدرتها را از میان برداشت. مطلبی که قابل بحث است، این است که سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف در فضا (مانند سلاح‌هایی که با انرژی اهداف را منهدم می‌کنند)، بر اساس حقوق بین الملل موجود منع شده است. بنابراین شکافهای اساسی در رژیم حقوقی وجود دارد که نمی‌گذارد این رژیم مانع از تسلیح فضا شود، ضمن آنکه ماهواره‌های غیرنظامی از هرگونه حمایت حقوق بین الملل بی‌بهره‌اند.

این ماهواره‌ها ممکن است مستقیماً مورد حمله قرار گیرند بی‌آنکه قواعد شکلی حقوق فعلی نقض شود. بر خلاف هواپیماهای نظامی - شناسایی، حمله به ماهواره‌های غیرنظامی سنجش از راه دور، حمله به وسایل مربوط به امنیت ملی کشورها محسوب نمی‌شود. امروزه بخشهای نظامی به طور فزاینده‌ای برای ارتباطات و شناسایی از ماهواره‌های غیرنظامی استفاده می‌کنند.

چنانچه برای کنترل کشورها در جامعه‌ی جهانی هیچ توافقی به دست نیاید، ممکن است این ماهواره‌ها آماج حملات قرار گیرند. علاوه بر آن حقوق مربوط به مدیریت و مسئولیت کشورها در مورد زباله‌های فضایی نیز بلا تکلیف باقی خواهد ماند.

بیش از ۱۱۰۰۰ قطعه به اندازه ۱۰ سانتی‌متر پهنا در فضای اطراف زمین در گردشند که آنها را می‌توان به طور مستمر ردیابی کرد؛ همراه با آنها حدوداً ۱۰۰۰۰۰ قطعه زباله از ۱ تا ۱۰ سانتی‌متر و ده‌ها میلیون تکه کوچک‌تر

۱. این سلاحها با تشعشع طیف الکترومگنتیک با سرعت نور اهداف را منهدم می‌سازند و یا با حرارت و ذوب کردن، دیگر سلاحها را از بین می‌برند.

۲. معاهده ABM، و موافقتنامه‌های SALT و START مداخله عمومی در مسایل فنی ملی را ممنوع کرده بود، لیکن این ممنوعیت میان اتحاد شوروی و ایالت متحده برقرار بود. ضمن آن که این توافقات دیگر لازم اجرا نیستند. اما معاهده‌ی مربوط به نیروهای متعارف در اروپا این مقررات را به عاریت گرفته و به وسایل فنی چند ملیتی تسری داده است

(Treaty on conventional Armed forces in Europe Nov.19, (1999

نیز در فضا وجود دارند. (NASA Orbital Debris Program, 2004:24)
این قطعات در گردش آسیب‌های جدی را بر فضاپیماها وارد می‌کنند.

ریشه‌های رژیم حقوقی فضا

رژیم حقوقی فعلی فضا در ۱۹۵۰ با اتخاذ اصولی در مورد حفظ فضا برای اهداف صلح‌آمیز شکل گرفت. در ابتدا فعالیت‌های فضایی را غیرنظامی تفسیر کردند. موضع اولیه ایالات متحده قبل از دستیابی به فضا این گونه بود. بعد از دستیابی ایالات متحده به فضا واژه‌ی صلح‌آمیز را «نظامی غیرفعال» معنی کردند. با این تعبیر که «صلح‌آمیز» یعنی «غیرتجاوزکارانه». گرچه کشورهای در حال توسعه به این تفسیر اعتراض دارند و ترجیح می‌دهند که واژه‌ی «صلح‌آمیز» را «غیرنظامی» معنی کنند ولی تا کنون هیچ کشوری به طور رسمی به تفسیر «استفاده نظامی غیرفعال» اعتراض نکرده است تا مانع از شکل‌گیری قاعده‌ی عرفی در این زمینه بشود. (BIN CHENG, 1997:515-16)

دور اول مذاکرات در مورد فعالیت‌های نظامی در فضا از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۶ منجر به تدوین مقرراتی شد که با شرایط قدرتها تطبیق می‌کرد (از جمله غیرنظامی‌سازی اجرام آسمانی و اقدامات اندک مربوط به کنترل تسلیحات در فضای نزدیک زمین). نظارت ماهواره‌ای بر تعهدات مربوط به کنترل تسلیحات

قدرت‌های فضایی بر این باورند که استفاده از فضا برای فعالیت‌های نظامی

میان اتحاد شوروی و ایالات متحده از نکات قابل توجه در این حوزه است.

نظریه‌های مربوط به رژیم حقوقی فضا

برای شکل‌دهی به رژیم حقوقی فضا، برخی فضا را با عرصه‌هوایی، دریا‌های آزاد و قطب جنوب مقایسه کرده‌اند. هر کدام از این قیاس‌ها رهیافت خاصی را نسبت به مقررات فضا ارائه می‌کند. نظرات مربوط به عرصه‌هوایی و دریا‌های آزاد برآنند که فعالیت‌های نظامی پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل عام را نسبت به فضا نیز اعمال کنند ولی نظریه مربوط به قطب جنوب، فضا را عاری از فعالیت‌های نظامی قلمداد می‌کند. (Peterson, 1997: 245)

این نظریات هنوز هم بر مقررات فضایی و توسعه‌ی رژیم حقوقی آن اثر می‌گذارد. نظریه قلمرو هوایی معتقد است که باید دولت‌ها بر کلیه فعالیت‌های انجام‌شده بر فراز سرزمین خود کنترل داشته باشند. معنی این جمله آن است که مقررات حاکم بر فعالیت نظامی در سرزمین هر دولتی، از جمله قلمرو هوایی باید در فضای ماورای جو نیز اعمال شود. این مقررات اموری از قبیل حق ساخت و

استقرار سلاح و نگهداری نیروهای مسلح و به‌کارگیری آنها را در برابر مهاجمان به منظور دفاع مشروع شامل می‌شود. برای مثال دولت‌ها هواپیمای نظامی مهاجم به قلمرو هوایی ملی را می‌توانند سرنگون کنند و هواپیماهای غیرنظامی را با اسکورت وادار به فرود اجباری کنند.

اتحاد شوروی در دهه‌ی ۱۹۵۰ با این نظر موافق بود ولی بعداً به دلیل گسترش قابلیت‌های ماهواره‌های شناسایی در دهه‌ی ۱۹۶۰ از نظریه دریای آزاد حمایت کرد. (Ibid: 246)

نظریه دریای آزاد فضای ماورای جو را متعلق به عموم، منطقه‌ای آزاد برای همه‌ی دولت‌ها و با امکان به‌کارگیری نیروهای مسلح با معیارهای پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل می‌داند. کشورها براساس حقوق بین‌الملل عام می‌توانند کشتی‌های جنگی خود را به آب‌های آزاد گسیل کنند. همچنین کشورها به شرط این که مزاحمتی برای آزادی دریانوردی دیگر کشورها ایجاد نکنند، می‌توانند ناوهای جنگی را به آب‌های آزاد اعزام کنند و در آنجا به برگزاری رزمایش و آزمایش سلاح بپردازند. اما هواپیماهای شناسایی خارجی در پرواز بر فراز آب‌های آزاد را

نمی‌توانند سرنگون سازند حتی اگر این هواپیماها به قدری بالاتر پرواز کنند که بتوانند از بخشهایی از سرزمین تحت حاکمیت دولت ساحلی نیز عکسبرداری کنند.

نظریه قطب جنوب پس از انعقاد معاهده ۱۹۵۹^۱ به دست آمد که معتقد به غیرنظامی سازی کامل منطقه بود. در ماده ۱ این معاهده آمده است که «منطقه قطب جنوب فقط برای مقاصد صلح آمیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت» این جمله مبنای محدودیت کلیه فعالیت‌های نظامی شده و متضمن محدودیت جامع‌تری از محدودیت‌های داخل سرزمین دولت و یا دریای آزاد است که حتی به یک معنی انواع فعالیت‌های نظامی با اهداف دفاعی تحت نظام منشور ملل متحد را نیز ممنوع می‌سازد.

در ابتدای شکل‌گیری نظام حقوقی فضا (دهه ۱۹۵۰)، ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر از نظریه دریای آزاد حمایت کردند.

دو گزینه یعنی مقررات منشور ملل متحد (مجاز بودن دفاع مشروع و به‌کارگیری نیروهای مسلح به همین منظور) و غیرنظامی‌سازی (موضوع بحث معاهده قطب جنوب) وجود دارند ولی آنچه که قدرت‌های فضایی در عمل انتخاب کرده‌اند نظریه دریاهای آزاد است. در سال ۱۹۷۶، هشت کشور استوایی نسبت به بخشهایی از مدار ثابت زمین^۲ ادعای حاکمیت کردند و عنوان کردند که ضابطه‌ی «عدم اختصاص فضا به کشوری خاص» برای قدرتهای فضایی امتیازات غیرعادلانه‌ی ابدی را فراهم کرده است. این ادعا از طرف قدرتهای فضایی رد شده است. (MARIETTA, BENKO, 1985:121)

اما در مورد کره‌ی ماه دولت‌ها و حقوقدان‌ها متقاعد خواهند شد که نظریه دریاهای آزاد، پاسخگوی واقعیت‌ها نیست و نظریه مربوط به قطب جنوب مناسبتر است زیرا بسیاری از مشخصات قطب

۲. مدار ثابت زمین در ۲۲۰۰۰ مایلی فرار زمین قرار دارد و چون ماهواره‌ها با سرعتی برابر سرعت چرخش زمین و همسو با آن در این مدار در حرکتند، ثابت به نظر می‌رسند.

1. Antarctic Treaty, Dec.1, 1959

جنوب در مورد ماه و دیگر اجرام آسمانی نیز صادق است (مشکلات محیط طبیعی، پَرت و دور از دسترس بودن و فقدان مزیت قابل ملاحظه برای تأسیسات نظامی) ولی در مورد فضای خلأ میان اجرام آسمانی، صدق نمی‌کنند.

همان‌گونه که رقابت میان آمریکا و شوروی امکان دستیابی به موافقت‌نامه‌ای در خصوص غیرنظامی کردن قطب را از میان برد، همان ملاحظات در مورد ماه نیز وجود دارد. (Peterson, 1997: 245)

این سه نظریه به شکل‌گیری رژیم فضا کمک کرد. دو نظریه دریای آزاد و قطب جنوب هنوز در مباحث مربوط به تنظیم قوانین فضا مطرح هستند.

مذاکرات مربوط به فضا

بلوک شرق و غرب در دهه‌ی ۱۹۷۰ با رویکرد منافع اقتصادی در فضا، تحرکاتی را آغاز کردند که سرآغازی برای شکل‌گیری معاهدات شد. در ۱۹۷۹ جامعه بین‌المللی معاهده‌ی ماه را تصویب کرد. انگیزه اصلی قدرتها برای مذاکره، از نیاز آنها به اجتناب از درگیری سیاسی - نظامی در مورد ماه نشأت می‌گرفت. تلاش‌های گروه ۷۷ (غیرمتعهدها) برای

تسری اصل «میراث مشترک بشریت» که از حقوق دریاها به عاریت گرفته شده بود بر فضای مذاکرات سایه افکنده بود.

این اصل ناظر بر مدیریت منابع موجود در ماه و دیگر اجرام طبیعی فضا، به وسیله سازمانی جهانی به منظور تأمین منافع همه ملت‌ها بود. هرچند معاهده‌ای چندجانبه نوشته شد ولی فقط ده دولت آن را به تصویب رساندند.^۱ گرچه اصل میراث مشترک بشریت ملاحظه‌ی مساوات را در حقوق فضا پیش می‌کشد ولی در عمل رژیم پیشنهادی برای بهره‌برداری از منابع ماه نسبت به رژیم بهره‌برداری از بستر اعماق دریا بسیار غیرعملی‌تر است، در نتیجه این مقوله به دلیل انتزاعی بودن نسبت به واقعیات موجود، بسیار آرمانی شده است.

(Thomas Frank, 1995:400) البته اصل میراث مشترک بشریت دارای پشتوانه حمایت سیاسی است و اهمیت نمادین خود را حفظ کرده است و توجه به آن در تنظیم رژیم فضا، ضروری به نظر می‌رسد. از سال ۱۹۷۶ با اتخاذ محدودیت‌های بیشتر در مورد استفاده نظامی از فضا، و

1. [http://www. Ooze. Unvienna. org/space Law/ moon.html](http://www.Ooze.Unvienna.org/space Law/ moon.html).

داد، اما دولت ریگان که ابتکار دفاع استراتژیک (SDI) را دنبال می‌کرد، چندان توجهی نشان نداد. مذاکرات دو جانبه میان امریکا و روسیه درباره‌ی سلاحهای ضد ماهواره هنوز در حالت تعلیق است.

مسایل مربوط به اقدامات ضدماهواره برای بار اول به صورت ملاحظات چندجانبه در کمیته مربوط به خلع سلاح در ژنو در زمینه اقدامات مربوط به پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا شکل گرفت.

در سالهای اخیر، نمایندگان کشورها در کنفرانس خلع سلاح^۱ ابتکارات گوناگونی را ارائه کرده‌اند از جمله: پروتکل تکمیلی به موافقت‌نامه‌های موجود؛ پیوستن همه کشورهای جهان به

۱. کنفرانس خلع سلاح در سال ۱۹۷۹ به عنوان تنها اجلاس جامعه‌ی بین‌المللی در خصوص مذاکرات چندجانبه خلع سلاح، تأسیس شد که دیگر مذاکرات مربوط به ژنو را تعقیب کرد و شامل کمیته ده کشور در سال ۱۹۶۰، کمیته هجده کشور در سالهای ۶۸-۱۹۶۲ و کنفرانس کمیته درباره خلع سلاح در سالهای ۷۸-۱۹۶۹ می‌شود. <http://www.unorg>

تسری محدودیت فعالیت نظامی در ماه و دیگر اجرام آسمانی به فضای نزدیک زمین، تلاشی برای اصلاح معاهده‌ی فضا شروع شد. در مارس ۱۹۷۷ ایالات متحده و اتحاد شوروی پذیرفتند که ممنوعیت و یا محدودیت شدید استفاده و استقرار سلاحهای ضد ماهواره‌ای در فضا را به بحث بگذارند. از ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ سه اجلاس برگزار شد ولی در مورد سلاحهای ضدماهواره‌ای توافقی به دست نیامد. مسایل حل نشده عبارت بود از: تعریف فعالیت‌های ضدماهواره و درخواست اتحاد شوروی برای شمول برنامه‌ی شاتل فضایی امریکا در بحث ضد ماهواره. گرچه امکان برگزاری دور چهارم مذاکرات وجود داشت ولی دولت کارتر به دلیل اولویت تصویب پیمان سالت دو، آن را به حالت تعلیق درآورد. پس از حمله

شوروی به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹، مذاکرات مربوط به اقدامات ضدماهواره همانند معاهده سالت قربانی روابط سرد دو قدرت شد. (Steven Weber, 1988:373) در ۱۹۸۰ اتحاد شوروی آزمایش‌های ضدماهواره‌ای خود را از سر گرفت و سپس ابتکاراتی را در مورد کنترل تسلیحات ضد ماهواره‌ای پیشنهاد

موافقت‌نامه‌های موجود با انعقاد معاهدات جدید برای ممنوع کردن توسعه و آرایش سلاحهای خاص در فضا؛ تدوین رژیم بین‌المللی جامع برای غیرقانونی کردن هرگونه استفاده نظامی از فضا؛ تقویت بازرسی فنی برای اطمینان از پیروی از موافقت‌نامه‌ها و تأکید بیشتر بر اقدامات اطمینان‌ساز به عنوان راه‌های اطمینان از استفاده صلح‌آمیز از فضا. گرچه بعضی از ابتکارات پذیرفته شده‌اند لیکن ابتکارات بسیار مهمی از طرف ایالات متحده متوقف شده است. در مخالفت با تقویت اقدامات مربوط به کنترل تسلیحات در فضا، ایالات متحده اصرار دارد که هیچ خطری از مسابقه‌ی تسلیحاتی وجود ندارد و معاهدات موجود درباره‌ی ممنوعیت استقرار سلاحهای کشتار جمعی در فضا، کفایت می‌کند و استفاده گسترده از فضا برای نظارت و ارتباطات و ممنوعیت کلیه فعالیت‌های نظامی در فضا، گزینه‌ای کاملاً غیر علمی است. در سالهای اخیر شصت و شش عضو کنفرانس خلع سلاح به دلیل بن بست میان امریکا و بقیه‌ی اعضا در مورد موافقتنامه‌ی برای ممنوعیت مسابقه‌ی

تسلیمات تسلیحاتی در فضای ماورای جو، نتوانسته‌اند اجلاسی را برگزار کنند.^۱ در ژوئن سال ۲۰۰۱ چین پیش نویس معاهده‌ای را برای ممنوعیت آزمایش، استقرار و کاربرد هرگونه سلاحی در فضا پیشنهاد کرد. بدون تردید هدف این پیش نویس برنامه‌های دفاعی موشکی و تقویت قابلیت‌های فضایی امریکا بود.^۲ به همین علت نیز امریکا به شدت با آن مخالفت می‌کرد.^۳ در ژوئن ۲۰۰۲ روسیه و چین طرح پیشنهادی مشترکی را درباره‌ی یک معاهده‌ی بین‌المللی راجع به ممنوعیت سلاحهای فضایی، به کنفرانس خلع سلاح ارائه کردند.^۴ اما نماینده امریکا در

۱. U.N. DOC. CD/1645(2001).
 ۲. U.N. DOC. DCF/430(sep.g,2003), at <http://www.acronym.org>. UR
 ۳. ARMS CONTROL TODAY, OCT. 2002, P.31.
 ۴. عنوان این طرح «موافقتنامه مربوط به ممنوعیت استقرار سلاح در فضا، تهدید یا به کارگیری زور علیه اشیا در فضای ماورای جو» بود.
<http://www.Acronym.org>. UR/docs/0206/doc 10. htm.

کنفرانس خلع سلاح با این طرح مخالفت کرد.

به نظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی درباره‌ی آینده‌ی فضا به بن بست رسیده است ولی تحولات ناشی از

فناوری با سرعت در حال حرکت می‌باشد. اگر وجدان و عقلانیت تکلیف آینده‌ی فضا را تعیین نکنند، در این خصوص قدرت، تصمیم‌گیری خواهد گرفت.

چهل سال است که ایالات متحده در خصوص خواست جامعه‌ی بین‌المللی برای ممنوعیت تسلیح فضا از خود

مقاومت نشان می‌دهد و این در صورتی است که تسلیح فضا ناشی از الزامات و نیازهای تکنولوژیکی یک جامعه‌ی بین‌المللی نیست. در اصل این رویکرد حاصل فشار مجموعه‌ی فرماندهی فضایی و حامیان آن و همچنین رهبران سیاسی امریکاست.

بازیگران و منافع آنها در فضا

شکل‌گیری رژیم حقوقی فضا از ابتدا با توزیع نابرابر قدرت و قابلیت‌ها برای بهره‌برداری از آن همراه بوده است. هر چند مدت زمان زیادی فعالیت‌های

فضایی در انحصار اتحاد شوروی و امریکا بود، لیکن امروز بیش از سی کشور صاحب صنایع فضایی هستند و هشت کشور نیز خدمات پرتاب سفینه‌ها را ارائه می‌کنند.

روسیه، امریکا و اخیراً چین قدرت‌های اصلی فضایی محسوب می‌شوند که فعالیت‌های کامل فضایی را انجام می‌دهند. کشورهای فرانسه، هند، ژاپن و رژیم اشغالگر قدس و اتحادیه اروپایی قابلیت پرتاب ماهواره و دیگر وسایل به جز سفینه‌های با سرنشین را دارا هستند.

(M.j. Peterson, 2001:146)

گروهی از کشورها به همراه سه شرکت خصوصی و یک سازمان بین‌دولتی قابلیت‌های قابل ملاحظه‌ای را در فضای نزدیک زمین دارند. بسیاری از آنها ماهواره یا وسایل دیگری را به وسیله کشورهای پرتاب‌کننده به فضا فرستاده و آن را اداره می‌کنند.

کشورهای آفریقای جنوبی، کانادا، برزیل، آرژانتین، استرالیا، آلمان، اندونزی و انگلستان در زمره‌ی کشورهای پیش‌گفته محسوب می‌شوند. سازمان بین‌المللی ارتباطات راه دور ماهواره‌ای (INTELSAT) در سال ۱۹۶۴ به عنوان

پیشی گرفته است. ارتباطات راه دور، سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سیستم ناوبری ماهواره‌ای جهانی (GSNS)، کاربرد تجاری پیدا کرده‌اند و در مطالعات محیطی نیز از جمله نظارت جهانی، تغییرات آب و هوایی، تجزیه و تحلیل استفاده از زمین و برنامه‌ریزی در بلایای طبیعی و خدمات ارتباطی از جمله پخش برنامه‌های تلویزیونی، ارتباطات و ناوبری از آنها استفاده می‌شود. طبق مطالعات انجام شده ۲۶۲ تا ۳۱۳ ماهواره ی مخابراتی در مدار ثابت زمین وجود دارد.^۴ ساخت وسیله‌ی نقلیه مربوط به پرتاب فضا پیما و موشک برای برآوردن نیاز هدایت کنندگان عملیات ماهواره‌ها به یک صنعت سودآوری تبدیل شده است. تجاری‌سازی فضا ۹۰ میلیارد دلار درآمد داشته است که قبل از سال ۲۰۰۰ رشد ۲۰٪ داشت. برآورد پیش از سال ۲۰۰۰ درباره‌ی بازار پرتاب ماهواره

سازمان بین‌دولتی تأسیس شد اما در سال ۲۰۰۱ خصوصی شد.^۱ سازمان بین‌المللی ماهواره‌ای دریایی (INMARSAT) نیز در سال ۱۹۹۹ از سازمان بین دولتی به شرکت محدود تغییر وضعیت داد.^۲ COMSAT شرکت خصوصی در امریکای لاتین و (ARABSAT) سازمان ارتباطات عرب نیز سازمان بین‌دولتی است که برای جهان عرب خدمات ماهواره‌ای ارائه می‌کند. کشورهای بسیاری که فاقد فناوری فضایی هستند در شرکت‌های نظیر INTELSAT مشارکت دارند و کشورهای اندکی هم در مسایل فضایی خود را درگیر نکرده‌اند. امروزه بهره‌برداری از فضا در قالب منافع اقتصادی تجاری ظهور پیدا کرده است و فعالیتهای فضایی اکثراً به سمت کاربرد علمی در بازارهای تجاری روی آورده است، هر چند تحقیقات علمی نقش اصلی را در فعالیتهای فضایی ایفا می‌کند. تعداد پرتاب‌های ماهواره‌ای تجاری در سال ۱۹۹۸ از پرتاب‌های نظامی

3. Global Satellite Navigation Systems.

4. U.N. office of outer space Affairs, 4. <http://www.oosa.unvienna.org/wnisl-3/bginfo/spin.html>.

1. <http://www.intelsat.Com/aboutus/ourhistory>.

2. <http://www.inmarsat.com>

نشان می‌دهد که بیش از ۴۵ میلیارد دلار بین سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۸ از این راه عاید می‌شود.^۱ تعداد زیادی از کشورها، سنجش از راه دور را با رویکردی تجاری دنبال می‌کنند. کانادا، فرانسه، اسرائیل، روسیه، و آمریکا، ماهواره‌ها و اطلاعات به دست‌آمده به وسیله آنها را به فروش می‌رسانند. قدرت اقتصادی در فضا بیشتر در امریکای شمالی متمرکز است. امریکا با پنجاه شرکت ۷۵٪، اروپا حدود ۲۰٪ و آسیا ۶٪، درآمدهای فضایی را به خود اختصاص می‌دهند.^۲ کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که در آینده‌ای نزدیک ۱۰۰۰ ماهواره‌ی فعال در مدار به ۲۰۰۰ بالغ خواهد شد. در سال ۲۰۰۴، از مجموع ۲۹۵۹ ماهواره فعال و غیرفعال، بیش از ۳۰۰ ماهواره به وسیله سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های خصوصی اداره می‌شد. در جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱)، ۲۵٪ از ارتباطات نظامی

امریکا از سیستم‌های ماهواره‌ای تجاری تأمین شد و این رقم در جنگ دوم امریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ به ۸۵٪ رسید. (Bob Preston, 1994:13)

در این صورت روزی فرا می‌رسد که کشورها در مقابل حملات نظامی با پشتیبانی شرکت‌های تجاری ماهواره‌ای، از خود دفاع کنند، شرکت‌هایی که حتی پشتیبانی نیروهای نظامی کشور مورد تهاجم را بر عهده دارند. (David L. will son, 2001:175)

منافع بازیگران در فضا با همدیگر متفاوت و رقابت‌آمیز است؛ این امر باعث می‌شود که قواعد و هنجارهای رفتاری بازیگران در عمل نیز متفاوت باشد. در نتیجه رسیدن به توافق و رژیم جامع در فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برنامه‌های فضایی هند و چین همانند برنامه‌های چهل سال پیش شوروی و امریکا حاصل فرآورده‌های جانبی توسعه‌ی سیستم موشکی هستند. هر دو کشور هند و چین آرمانشان این است که به یک قدرت فضایی اثرگذار تبدیل شوند.

هند اولین راکت آزمایشی خود را در سال ۱۹۶۳ به فضا پرتاب کرد و در سال ۱۹۹۹ با در مدار قراردادن ماهواره‌های

2. U.N. office of outer space Affairs, the United Nations, Private Enterprise and space, at <http://www.oosa.unvienna.org/unisl-3/bginfo/private.htm>.

3. Space News, at http://www.space.com/space_news/top_50-2005.html.

کره‌ی جنوبی و آلمان، اولین گام‌ها را برای پرتاب‌های تجاری برداشت. در آوریل سال ۲۰۰۱ با پرتاب وسیله تنظیم‌کننده‌ی پرتاب ماهواره‌ای، ماهواره‌های مخابراتی و ارتباطی را برای مدار ثابت زمین طراحی کرد. هند به جرگه‌ی معدود کشورهای پیوسته است که می‌توانند ماهواره‌های سنگین و سودآور را به اعماق فضا پرتاب کنند.

هند تکنولوژی موشکی خود را گسترش داده است و در صدد آن است که تا سالهای ۲۰۰۷ و یا ۲۰۰۸ یک سفینه بدون سرنشین را به ماه بفرستد.

چین نیز با آرمان‌های بلند دارای قابلیت‌های نظامی - فضایی است. چین در ۱۹۷۰ سفینه‌ای را با راکت ساخت آن کشور به فضا پرتاب کرد که به این ترتیب برنامه‌ی فضایی چین آغاز شد. این کشور با راکت‌های دورپرتاب قادر است از ماهواره‌های کوچک گرفته تا سفینه‌های بزرگ ارتباطات راه دور را به فضا پرتاب کند.

1 . The Yale Journal of International Law, Vol. 29, P.384
 2 . Chinese Anti- Satellite (ASAT) Capacities, at http://www.fas.org/spp/guide/china/military/a_sat

چین همچنین در اکتبر ۲۰۰۳، اولین مأموریت را با سفینه سرنشین‌دار در فضا به انجام رساند و با یک هدف بلند مدت در صدد استقرار ایستگاه فضایی

باز دارد که هر دو مورد تهدیدی برای نیروی بازدارنده چین به حساب می‌آید.^۱ تا امکان وجود آب در این کره را بررسی کند. (loc. cit)

برنامه فضایی اروپا با مقاصد تجاری دنبال می‌شود تا نظامی. آژانس فضایی اروپا بیشتر بر روی فناوری ارتباطات، نظارت بر زمین و علوم فضایی، متمرکز شده است.^۲ تاکنون شواهدی دال بر تمایل ملل اروپایی دایر بر توسعه سیستمهای تسلیحاتی فضا پایه ملاحظه نشده است.^۳

اما ژاپن از نظر فعالیت‌های فضایی در جایگاهی میان اروپا و قدرتهای بزرگ فضایی قرار دارد. برنامه راکتی ژاپن از نظر تجاری در سالهای اخیر بی‌رقیب بوده است. بعد از یک سلسله پرتاب‌های ناموفق، ژاپن در سال ۲۰۰۰ در سازمان برنامه‌ی فضایی خود تجدیدنظر کرد. از آن به بعد ژاپن در عرصه کار علمی بسیار موفق عمل کرده است، در ۱۹۹۸ سفینه‌ای را به سوی مریخ فرستاده است

علاوه بر موارد ذکر شده اکثر ملت‌های جهان علاقمند به منافع اقتصادی هستند و دسترسی به ارتباطات و دیگر منافع فضا در زمره‌ی منافع کشورهای در حال توسعه است که به آن وسیله درصدد پرکردن شکاف اطلاعاتی میان خود و کشورهای صنعتی هستند. بسیاری از ملت‌ها دوست دارند ضمانت‌هایی دریافت کنند که از فضا علیه آنها استفاده نخواهد شد و از تقویت رژیم حقوقی در فضا حمایت کرده‌اند تا از تسلیح فضا جلوگیری شود. این گروه شامل ملت‌های صاحب فناوری می‌شود.

۳. اصل ۹ قانون اساسی ژاپن.

1. Ibid, P.

2. ESA visions and strategies, at http://t2_wesa.R3h.net/export/esaCP/GGGZM2D3KCC-index-0.html.

3. Movements Toward Space weapons (2003), at <http://www.cdi.org/pdfs/space weapons.pdf>.

دیدگاه‌های چین مورد توجه قرار گرفته است و روسیه نیز خواستار معاهده‌ای بین‌المللی برای ممنوعیت استقرار و به‌کارگیری سلاح در فضا شده است. در سپتامبر ۲۰۰۱ ایگور ایوانف وزیر خارجه وقت روسیه چندین ماده‌ی کلیدی برای معاهده‌ی جدید «امنیت فضایی» مطرح کرد که شامل موارد زیر است:

- ممنوعیت قرار دادن سلاح در مدار؛
 - ممنوعیت به‌کارگیری و یا تهدید کاربرد سلاح بر ضد اهدافی در فضا؛
 - ایجاد مکانیزم‌های بیشتر برای راستی‌آزمایی^۱.
- نماینده‌ی روسیه در کنفرانس خلع سلاح این موضع را مجدداً در ژانویه ۲۰۰۲ با درخواست تعلیق موقت برای قرار دادن سلاح در فضا تا زمان انعقاد معاهده، تکرار کرد.

در ژوئن ۲۰۰۲ روسیه و چین طرح مشترکی را درباره‌ی یک معاهده‌ی بین‌المللی برای ممنوعیت سلاح‌های فضایی به کنفرانس خلع سلاح تسلیم کردند که پاسخی به خروج امریکا از معاهده‌ی ABM بود. «کانادا، مصر، فرانسه، سریلانکا و دیگر اعضای کنفرانس خلع سلاح نیز طرح‌هایی را پیشنهاد دادند تا مذاکرات مربوط به فضای عاری از سلاح را آغاز کنند. (Donald Sinclair, 1996:31)

به غیر از دولت‌ها تعداد قابل ملاحظه‌ای شرکت خصوصی نیز در فضا به فعالیت مشغول هستند و حتی به دولت‌ها خدمات ارائه می‌دهند. همان‌گونه که منافع مربوط به صنعت از جمله عواملی بوده است که حقوق دریاها و اقیانوس‌ها را توسعه بخشید، این بار هم منافع بخش صنعت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مربوط به فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال می‌توان گفت که نیاز صنعت نفت ایالات متحده به امنیت حقوقی در مناطق زیر آب و در حاشیه‌ی دریای سرزمینی به عنوان شرطی برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه توسعه، موجب شد که ترومن در سال ۱۹۴۵ ادعای

4- James Clay Molts, Breaking the Deadlock on Space Arms Control, Apr. 2002, <http://www.armscontrol.Org/act-04/moltzapril 02. Asp>.

صلاحیت ایالات متحده بر فلات قاره‌ی سواحل آن کشور را مطرح کند. بعدها این مطلب به عنوان بخشی از حقوق دریاها درآمد. همچنین منافع تجاری و بازرگانی باعث شده است که کشورهای صاحب فناوری به سوی استخراج معادن از بستر دریاها و اعماق اقیانوس‌ها حرکت کنند. چنین تحرکی نیز در مورد فضا قابل ملاحظه است. بسیاری از شرکت‌های ارتباطات راه دور و ماهواره‌ای علاقمند به حفظ محیطی ثابت و پایا برای فعالیت تجاری خود هستند. اما بعضی از شرکت‌ها منافع قطعی در نظامی کردن دارند. شرکت‌های امریکایی لاکهید، مارتین و بوئینگ که از جمله پیمانکاران بزرگ نظامی هستند، منافع عظیمی در سیستم دفاع موشکی ملی امریکا دارند و با پنتاگون برای چندین برنامه‌ی دفاع موشکی همکاری می‌کنند. از دیگر شرکت‌های امریکایی می‌توان به جنرال داینامیکس، نورث روپ و گرومن اشاره نمود. این شرکت‌ها برای توسعه‌ی قابلیت‌های نظامی امریکا در فضا گرد هم آمده‌اند.

شرکت‌های ماهواره‌ای تجاری هم به نوعی با بخش نظامی همکاری می‌کنند،

چنان که پنتاگون و ارتش امریکا به طور قابل ملاحظه‌ای بر خدمات مخابراتی و سنجش از راه دور این شرکت‌ها تکیه زده‌اند. نیروی هوایی امریکا بزرگ‌ترین مشتری تصاویر ماهواره‌های تجاری در جهان و در نتیجه منبعی برای قراردادهای پرسود است. با این بازاری که امریکا به پا کرده است انحصار توزیع تصاویر ماهواره‌های تجاری را مخصوصاً در زمان‌های بحرانی به خود اختصاص داده است. در جنگ ۲۰۰۱ افغانستان، امریکا حق انحصاری تصاویر به دست آمده از افغانستان را از شرکت (IKONOS-2)^۱ خریداری کرد و این شرکت را از فروش تصاویر بازداشت. این شرکت این معامله را تجارتي فوق‌العاده نامید. (Space today online, 2004:12)

با توجه به هزینه‌های سنگین پرتاب ماهواره‌ها به ارتفاعات بالاتر و این که مشتریان تصاویر ماهواره‌ای با وضوح بیشتر را دولت‌ها تشکیل می‌دهند،

۱. این شرکت یکی از بهترین شرکت‌های تولید کننده‌ی تصاویر ماهواره‌ای از زمین است که تصاویر آن از وضوح قابل توجهی برخوردار است. در جنگ خلیج فارس نیز امریکا تصاویر ماهواره‌ای را به انحصار خود درآورد.

ارتباط نزدیکی میان اداره‌کنندگان ماهواره‌های تجاری و دولت‌ها برقرار خواهد بود. در هر صورت احتمال دارد که استفاده‌کنندگان ماهواره‌ها صلاح خود را در آن ببینند که منافع بلند مدت آنها با توسعه رژیم حقوقی با ثبات، بهتر حفظ می‌شود تا با تسلیح فضا. بهتر است مصرف‌کنندگان خدمات ماهواره‌های تجاری از درگیری در مسایل نظامی فضا به دور بمانند. روشن است که برخلاف اشتیاق فرماندهی فضایی آمریکا در چشم‌انداز، اداره‌کنندگان ماهواره‌ها و پشتیبانان آنها، کمک نظامی طلب نکرده‌اند یا مواردی را اعلام نکرده‌اند که با کسب سود آنها در تضاد باشد تا تشدید اقدامات و وضع استانداردها ضروری شود. غفلت جامعه علمی نیز در این حوزه قابل طرح است.

این گروه شامل موسسات فضایی ملی می‌شود که به تحقیقات علمی می‌پردازند از جمله آنها می‌توان به ناسا و موسسات صنعتی - دانشگاهی، انجمن‌های تخصصی بین‌المللی نظیر کمیته تحقیقات فضایی و ملت‌های مشارکت‌کننده در ایستگاه فضایی بین‌المللی (ISS) اشاره نمود. منافع عمده این بازیگران در آن است که

فضا برای اهداف صلح‌آمیز و علمی حفظ و همکاری بین‌المللی در بهره‌برداری از فضا ترویج شود. هر چند این رویکرد منافع آمریکا (بازیگر عمده ایستگاه بین‌المللی) را تحت الشعاع قرار می‌دهد. گروه‌های علمی در گذشته نقش مهمی را در دستیابی به معاهدات خلع سلاح و محیط زیست ایفا کرده‌اند و در مورد رژیم قاعده‌مند برای فضا انتظار می‌رود که علاقمندی زیادی از خود نشان دهند. منافع این گروه‌ها، دولت‌ها، صنایع و جامعه علمی به شکل‌گیری رژیم فضا کمک خواهد کرد.

طرح دیدگاه‌های مربوط به توزیع صحیح منافع فضا به همراه اجماع نسبی درباره جلوگیری از تسلیح فضا کاملاً چشمگیر است و این تنها ایالات متحده است که با شرکت‌های طرف قرارداد خود خارج از این اجماع قرار گرفته است. آمریکا به استناد ملاک عمل قرار دادن رژیم حقوقی آزادی دریاها در مورد فضا، موضع خود را توجیه می‌کند که این قیاس برای قاعده‌سازی در فضا اصلاً مفید نیست.

سناریوهای پیش روی جامعه‌ی بین‌الملل

برای آینده‌ی فضا و رژیم حقوقی آن سه گزینه به نظر می‌رسد: سلطه‌ی ایالات متحده؛ یافتن راه موفقیت از وضعیت پیچیده و پر ابهام فعلی و تدوین رژیم حقوقی دقیق و مشروح شامل معاهدات و قواعد و مقررات اجرایی^۱.

الف- سلطه‌ی ایالات متحده:

در این گزینه ایالات متحده با قدرت سیاسی و فناوری خود مقررات و اصولی را که برای منافع خود مناسب می‌بیند به جامعه‌ی بین‌المللی تحمیل می‌کند. ایالات متحده همانند دهه‌های ۵۰ و ۶۰ که دو قدرت برتر، قواعد و مقررات فضا را نوشتند، در عرصه‌ای خالی از رقیب قواعد فضا را عملاً شکل می‌دهد و به‌وسیله‌ی قابلیت فناوری خود بر فضا سلطه پیدا می‌کند. همان گونه که بریتانیا صدها سال پیش بر دریاهای آزاد تسلط پیدا کرد. ایالات متحده با بهره‌گیری از مزایای گسترده توزیع نامتقارن قدرت در فضا،

نظم هژمونی را تحمیل و از آن دفاع می‌کند تا منافع خود را به حداکثر برساند و از آزادی عمل خود دفاع کند. جوهره این رویکرد، انحصاری کردن^۲ فضا و ممانعت از دستیابی دیگران به آن است. نیت امریکا از استفاده از فضا، دستیابی به اهداف استراتژیک خود در زمین است، یعنی تفسیری نامشروع از یک اصل حقوقی سنتی که بیان می‌دارد «هر چیزی که صراحتاً منع نشده باشد، مجاز است». به نظر نمی‌رسد که معاهدات بین‌المللی و مذاکرات بتوانند در مقابل هژمونی امریکا، نظمی را در فضا به وجود آورند و این در حالی است که دیدگاه‌های افراطی بحث قانون‌زدایی و اثبات حاکمیت در فضا را مطرح می‌کنند. در چشم انداز ۲۰۲۰ فرماندهی فضایی امریکا آمده است: «به دلیل اهمیت تجارت و بازرگانی و تأثیر آن بر امنیت ملی، ممکن است ایالات متحده به عنوان نگهبان تجارت فضایی درآمد، همان گونه که نیروی دریایی از تجارت دریایی حفاظت و پشتیبانی می‌کرد»^۳.

2. Monopoly.

3. Vision for 2020(1998), <http://www.fas>.

1. The Yale Journal of International Law, Vol. 29: 363 PP. 378-9.

ب- یافتن راه موفقیت از وضعیت پیچیده و پر ابهام فعلی

در این گزینه جامعه‌ی بین‌المللی به روش جاری خود دایر بر استمرار رویه‌ی فعلی بر اساس تفاسیر از اصول اسماً مشترک ولی مبهم ادامه می‌دهد تا در صورت پدید آوردن فرصتی با افزودن مقررات، تغییراتی در رژیم فعلی به وجود آورد. رژیم حقوقی با تفاسیر چندجانبه از اصول کلی شکل گرفته و با قواعدی غیر رسمی تلفیق شده است. قاعده‌سازی در این رویکرد مقطعی، ویژه و با افزودن مطالبی به قواعد قبلی و تدریجی و مختلف انجام می‌گیرد و از نظم و برنامه‌ریزی قبلی برای نیل به اهداف معینی برخوردار نیست. در اصل این روند در صدد انعکاس قواعد سنتی ناظر بر آزادی بهره‌برداری از فضا است. ایالات متحده از برنامه‌ای جامع برای قاعده‌سازی حمایت نمی‌کند و معتقد است که رژیم حقوقی فعلی فضا، برای جامعه‌ی بین‌المللی کافی است و برنامه‌های نظامی امریکا برای دیگر ملتها تهدیدی به شمار نمی‌آید.

ج- تدوین رژیم حقوقی دقیق و مشروح در این گزینه، جامعه‌ی بین‌المللی تلاش می‌کند مقرراتی را به بحث و مذاکره بگذارد که منافع تجاری، امنیتی و علمی همه کشورها در فضا، تأمین شود و بر همکاری بین‌المللی میان اعضای ذی‌نفع در فضا و حتی بازیگران غیردولتی و مشارکت گسترده‌ی آنان در تصمیم‌سازی و قاعده‌سازی تأکید می‌شود. قواعدی که نهایتاً در قالب معاهدات شکل می‌گیرند، طوری طراحی خواهند شد که از سلطه‌ی هر قدرتی در فضا جلوگیری کنند.

در این رویکرد نیاز است که روند رژیم عملی فعلی که بر اساس نظریه آزادی دریاها شکل گرفته است به روندی مبتنی بر اصول جامع امنیت، پشتیبانی برابر در فضا و عدالت و انصاف در بهره‌برداری از منافع فضا، تغییر مسیر دهد. به نظر می‌رسد که این رویکرد در حال حاضر به غیر از ایالات متحده مورد اقبال اکثریت کشورها قرار گیرد.

بعید است که گزینه اول و دوم به نتیجه با ثباتی نایل شوند. در گزینه‌ی اول، در برابر تلاشهای امریکا برای سلطه بر فضا، دیگر کشورها اقدامات متقابل را

Org/spp/Military/docops/usslac/visbook.Pdf.

به کار خواهند بست تا قابلیت امریکا را کاهش دهند، در آن صورت تلاش بی‌پایان برای یافتن امنیت در فضا هزینه‌های همه‌ی بازیگران را افزایش خواهد داد و این بازی برنده‌ای نخواهد داشت. بعضی از حامیان تسلیح فضا معتقدند که دیگر دولت‌ها از حمله‌ی متقابل امریکا می‌ترسند و خود این امر، بازدارندگی ایجاد می‌کند، از طرف دیگر قابلیت‌های دیگر کشورها با ایالات متحده قابل مقایسه نیست. (EVERETT C.)

کنوانسیون مسئولیت (۱۹۷۲)^۱ و ماده ۱۲ معاهده‌ی فضا دولت‌های عضو را که اشیایی را به فضا پرتاب می‌کنند، مسئول خسارات وارده به دارایی‌های دیگر اعضا دانسته است.

برای مواقعی که عضوی یقین داشته باشد که فعالیت عضو دیگر معاهده ممکن است به فعالیت صلح آمیز او در استفاده و بهره‌برداری صلح آمیز از فضا صدمه بزند، ماده ۹ معاهده‌ی فضا، بحث مشورت اعضا را مطرح کرده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌تواند از دیوان دادگستری بین‌المللی درباره‌ی تفسیر «استفاده صلح آمیز» نظر مشورتی درخواست کند و یا می‌تواند قطعنامه‌ای درباره‌ی استقرار سلاح‌های امریکا در فضا

(DOLMAN, 2001:157-9)

با توجه به قابلیت ماهواره‌ای امریکا ممکن است دیگر کشورها استراتژی «جنگ نامتقارن» را با تولید سلاح‌های ضدماهواره که به مراتب آسان‌تر است، در پیش گیرند. بنابراین دستیابی به سلطه در فضا بسیار دشوار خواهد بود و نتایج نامطلوبی را برای امریکا در پی خواهد داشت که از جمله، متحدان امریکا را از او جدا خواهد ساخت و باعث نزدیکی روسیه و چین خواهد شد و دیگر منافع امریکا را در فضا به خطر خواهد افکند.

امکان تعارض مقررات حقوقی با آرمانهای امریکا در فضا زیاد است. ماده ۱۵ معاهده‌ی ۱۹۹۰ مربوط به نیروهای

1. Treaty on Conventional Armed forces in Europe, 1990.

2. Convention on International Liability for Damage Caused by Space objects, Mar. 29, 1972.

صادر کند و نقض مواد معاهده‌ی فضا در خصوص «استفاده صلح‌آمیز» را اعلام نماید. کشورهای در حال توسعه نیز می‌توانند با بسیج دیگر کشورها اقدامات حقوقی و دیپلماتیک را در برابر اقدامات امریکا به راه اندازند.

تحلیل‌های ارایه شده نشان می‌دهد که گزینه‌ی یافتن راه موفقیت از وضعیت پیچیده‌ی فعلی نیز غیرمحتمل است. این گزینه نمی‌تواند منافع مختلف دولت‌ها در فضا را به توازن برساند و رژیم‌ی پایدار و منطقی‌تر از نتیجه تلاش فراگیر برای قاعده‌سازی را با خود به همراه آورد. از طرف دیگر این احتمال هم وجود دارد که این اقدامات، اگر از رژیم موجود دفاعی به عمل نیاید، آن را با خطر فروپاشی مواجه سازد. طرفداران تسلیحات در فضا معتقدند که پیدایش

قدرت فضایی در پی ظهور قدرت زمینی و هوایی است. قدرت فضایی از عملیات زمینی، دریایی و هوایی پشتیبانی می‌کند. در قرن بیست و یکم قدرت فضایی به طور مشخصی با جنگ و

تدوین رژیم حقوقی مشروح و دقیق برای نظمی پایدار در فضا که امنیت و ثبات را تأمین نماید چشم‌انداز مناسبی را برای همه ترسیم می‌کند. منافع کشورها در فضا مختلف و پیچیده است و بعضی

1. America's National Interests, the Commission on America's National Interests, www. Rand. org.

از اعضای صنعتی ممکن است در صورت عاری بودن فضا از سلاح، منافع کمتری نصیب آنها شود. در هر صورت باید در خصوص محتوای رژیم حقوقی فضا و استراتژی‌های توسعه‌ی کشورها در فضا، جامعه‌ی جهانی ملاحظات خاصی را مدنظر قرار دهد.

این سناریو برای همه اعضای جامعه‌ی بین‌المللی دشوار است ولی اگر تقویت رژیم موجود فضا ممکن نباشد چاره‌ای جز آن نیست.

نتیجه‌گیری

امروز چالش پیش روی جامعه‌ی بین‌المللی این است که سنت چهل و هشت ساله ممنوعیت فعالیت‌های نظامی در فضا در شرف اضمحلال قرار گرفته است. آمریکا در پی استراتژی «درگیری در امور جهانی»^۱ مصمم به زدودن مفهوم ممنوعیت فعالیت‌های نظامی در فضا است تا رژیم یکجانبه‌ی اظهار قدرت را با نادیده گرفتن منافع دیگران بر روی کار آورد.

پی‌گیری این استراتژی، نظم حقوقی شکننده موجود در فضا را که از طرف دیگر اعضای جامعه‌ی بین‌المللی پشتیبانی می‌شود، کاملاً تحلیل خواهد برد. این کار نه تنها به منافع دیگر ملت‌ها در فضا لطمه وارد خواهد ساخت بلکه منافع گوناگون آمریکا را هم دستخوش تهدید خواهد کرد.

در اثر تهدید شکل گرفته از توسعه‌ی قدرت در فضا، روشن است که رژیم جدیدی برای فضا پدیدار خواهد شد. رژیم کنونی به شکل موجود در برابر چالش‌های نو نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. ممکن است این رژیم با توافق به رژیمی عملیاتی با تشریح جزئیات تبدیل شود که منافع گوناگون را بر اساس اصول راهنما و هنجارهای نو، موازنه کند، یا در اثر غفلت به رژیمی تبدیل شود که قدرت و رقابت نظامی با سلطه‌ی ایالات متحده وجه شاخص آن باشد.

چشم‌انداز رژیم غیر مسلح فضا، بدون توافق قدرت‌های فضایی قابل دستیابی به نظر نمی‌رسد. واضح است رژیمی که در آن نیاز دیگران نادیده گرفته شود از طرف سایر کشورهای فعال در فضا، رد

1. Global Engagement

خواهد شد. کشورهای با تجربه‌ی فضایی وجود دارند که می‌توانند بر این موضوع اثرگذار باشند؛ دیگر جامعه‌ی جهانی در دهه‌ی شصت و هفتاد زندگی نمی‌کند. این مطلبی است که تا حدودی خوش بینی را نسبت به آینده تقویت می‌کند.

آن چیزی که سبب تغییرات عمده در حقوق دریاها شد، کثرت کشورهای در حال توسعه بود، گرچه آنها در عرصه‌ی کشتیرانی در مسافت‌های بلند و فناوری، حریف قدرت‌های بزرگ دریایی نمی‌شوند اما با امتداد ادعاهای مربوط به صلاحیت خود در اقیانوس‌ها می‌توانند بر سر راه قدرت‌ها مانع ایجاد کنند. همین‌طور در فضا، دیگر کشورها از نظر توان و قابلیت‌ها نمی‌توانند حریف آمریکا شوند اما با انواع اقدامات مربوط به ایجاد تداخل امواج و سیگنال‌ها می‌توانند مانع آزادی عمل ایالات متحده بشوند. این کار موجب آن می‌شود که آمریکا برای حفظ منافع خود در فضا، در خصوص قواعد رفتار در فضا به مذاکره بنشینند.

امروزه اصل آزادی دریاها کارایی چندانی ندارد پس هژمونی هم نباید باشد. لازم است سازمان ملل متحد با

همکاری کشورها دست به اقدامی بزند که در آن قدرت و موقعیت دولت‌ها برای حمایت از رژیم عملی برای فضا بر اساس حکومت قانون، به جای تعقیب سیاست‌های کوتاه‌بینانه رقابت برای سلطه‌ی ملی در فضا، به کار گرفته شود.

امنیت در فضا به طور مؤثری از طریق رژیمی مبتنی بر قاعده، قابل دستیابی است تا آرایش و استقرار سلاح‌هایی که ثبات را بر هم می‌زنند. غیر از قدرت‌ها، بقیه‌ی جهان عجله‌ای برای تسلیح فضا ندارند و به جای آن لازم است مقررات و اصولی برای بهره‌برداری و مدیریت فضا تدوین شود. مناسب‌ترین راه‌حل با حفظ منافع تجاری، فناوری و امنیتی قدرت‌ها در فضا نیز از طریق استقرار حکومت قانون ممکن خواهد شد و گر نه اعمال یک‌جانبه قدرت نظامی برای گسترش سلطه‌ی ملی بر فضا، جهان را با بحران مواجه خواهد ساخت. لازم است زمینه‌ی انتقال از وضعیت موجود به رژیمی که در آن محدودیت‌ها و منافع متقابل در فضا پیش بینی شده باشد، فراهم آید، تا جهانی شدن حکومت قانون و نظم قابل توجیه باشد.

فهرست منابع:

- 12- Nuclear posture review, 2001, <http://www.globalsecurity.org/wmd/library/dod/npr.htm>.
- 13- Peterson Bob. Plowshares and power, the military use of civil space, 1994.
- 14- Peterson M.J., the use analogies in developing outer space law, 51 INT'L ORG.1997.
- 15- Sinclair Donald, outer space, the conference on disarmament dimension, in arms control& the rule of law, 1996.
- 16- Space News, 2, 2004, <http://www.space.com/spacenews/archive04weaponsearch-030104.html>.
- 17- Space today online, the satellite wars, <http://www.spacetoday.org/satellite/yugowarsats.html>.
- 18- Steven Weber & Sidney Drill, attempts to regulate military activities in space, in us.-soviet security cooperation 1988.
- 20- Thomas Frank. Fairness in international law and institutions 400, 1995.
- 21- Us. National security space MGMT. and org., final report (2001), <http://www.space.gov/docs/fullreport.pdf>.
- 23- Us. SPACECOM vision for 2020, chs.5-6(1998), <http://fas.org/spp/military/docops/usspac/irp/toc.htm>.
- 24- Wilson David, an army view if neutrality in sales, 2001.
- 1- Abram chaves, Space weapons, the legal context in weapons in space, Franklin A. Long et.eds; 1986.
- 2- Aviation week and space tech., aug5, 1996.
- 3- Bincheng, Studies in international space law, Vlastic, 1997.
- 4- Defense review report sep.2001, <http://www.defenlinkmil/pubs/adr2001pdf>.
- 5- Disarmament diplomacy, jan-feb.2000, <http://www.acronym.org.uk/dd/dd43/43paros.htm>.
- 6- Evert C. Dolman, astropolitic: classical geopolitics in the space age, 2001.
- 7- Howard D.Belote, the weaponization of space. Spring 2000, p.46, http://www.au.af.mil/au/awcgate/sas/ziegler_dw.pdf.
- 8- Ivan A. Vlastic, the legal aspects of peaceful and non-peaceful uses of outer space, Bhupendra Jasani ed., 1990.
- 9- Karl P. Mueller, is the weaponization of space inevitable? 2002, <http://www.org/noarchive/mueller.html>.
- 10- Marietta Benko, space law in the united nations, 1985.
- 11- NASA orbital debris program office, <http://www.sn-callisto.jsc.nasa.gov/faqs.html>.